

اسم: رویندر

ولایت: ننگرهار

شغل:

من زندگی در غزنی کردیم اصلا از ننگرهار هستم و شوهرم ازخوکیانی لغمان است و از نظر قرابت با هم بیگانه هستیم. زمانیکه حالت های جنگی بود به غزنی رفتیم و در آنجا با سیک های غزنی خشی کردیم و عروس از غزنی آوردیم. دختر هایم در دیگر کشور ها هستند یکی در لندن و دیگر در هالند نامزد است. شوهر دخترم که در لندن است شهید شد در اوکراین. یک پسر در هند است و دو پسر دیگر در کانادا با من زندگی میکنند. زمانی که در افغانستان بودیم همه چیز فرق داشت و هر خوشی ما را به بسیار شوق و زوق تجلیل میکردیم مثل ویساکي و مهمان ها از مردم مسلمان هم دعوت میکردیم به شمول رهبر ها و وکیل های پارلمان و در تجلیل ویساکي آن ها ما را کمک میکردن مثل یک برادر امنیت ما را میگرفتن و حتا در ننگرهار سلطان پول که بودیم دور را دور ما را حلقه میکردن تا ما بتوانیم به یک ذهن آرام از ویساکي تجلیل کنیم. و سه روز مثل عید از ویساکي تجلیل میکردیم و هر آن چیز که تیار میکردیم مسلمان هم به علاقه مخوردن و زن های شان بین زن های شان در بین زن ها مینشستن. در عید ها به برادر های مسلمان تحفه ها میبودند مرد های ما اما زن ها نمیرفتیم.

در کانادا مردم ویساکي تجلیل میکنم اما در انجا بیشتر سیک ها از هند هستند از پنجاب و از ما افغان ها فرق دارند.

در کجا مکتب را خاندید؟

مکتب نمیرفتم و درس را در گوردواره درس خاندیم. طفل های ما به مکتب میرفتن و از دست

زمانی شد که همه مکتب ها بسته شد و نه مسلمانی توانست که به مکتب برود و کدام سیک. و حتی حکومت به اطفال ما مکتب هم جور کرده بود و معلمین هم مقرر شدن بود اما نظر به اوضاع امنیتی تقریبا سالهای 2010 مکتب ها بسته شدن. پس از آن اولاد های ما درس درمسال خواندند و برای یاد گیری بیشتر معلمین دیگر از مسلمان هم میامدن تا تدریس کنند.

با کدام زبان ها تکلم میکنید و به کدام لسانها بلدیت دارید؟

به زبان های ملی افغانستان و در بین سیک ها هم پشتو و هنکو گپ میزنیم.

رویبه مردم با شما چطور بود تا چه حد خوش هستین از مردم که با شما در یک منطقه زندگی میکردند؟

رفت آمد میکردن ما میرفتیم و به خوشی سپری میشد زندگی.

کدام غذا ها را میخوردید و کدام را نه؟

در خانه میتوانیم همه غذاها را بخوریم اما در فاتحه و درمسال گوشت خوردن به ما روا نیست.

آیا به کابل برمیدرین اگر آرامی شود؟

بلی اینجا به ما مثل است از لسان شروع تا به بیرون رفتن از خانه و رفتن به داکتر. هیچ وقت دل گرم اینجا نخواهد شوم.